

جوامع انسانی کربلا در گذر تاریخ و بستر جغرافیایی گذر و نظری بر کتاب «بیوتات کربلا»

غلامرضا گل‌زواره

چکیده

بیوتات کربلاء القدیمة اثر سید عبدالصاحب ناصر آل نصرالله، کتابی است که نویسنده در آن با نهایت دقت، تأمل و پژوهش، مطالبی مستند و متقن درباره تاریخ، جغرافیا، رجال، انساب و دیگر موضوعات مربوط به کربلا در چهار فصل گردآوری کرده است. این کتاب در سال ۱۴۳۲ قمری از سوی مؤسسه البلاغ بیروت در ۶۱۳ صفحه منتشر شده است.

مؤلف در دیباچه، محتوای کتاب، هدف و سبک نگارش و مستندات مطالب آن را در ده محور شرح داده و پس از مقدمه‌ای کوتاه - با تأکید بر مهاجرت خاندان‌ها، اقوام و اشخاص - به تاریخ کربلا و پیدایش عشایر، بیوتات، خاندان‌ها و شخصیت‌های این شهر می‌پردازد. در ادامه ضمن اشاره به نسخه‌ای نفیس که از منابع پژوهش او بوده، خاندان‌ها و طوایف ساکن در شهر کربلا از گذشته تا امروز و نیز خانواده‌های مقیم در جوار حائر حسینی را معرفی می‌کند و علت کوچ عشایر به این شهر مقدس را بیان می‌کند. این نوشتار، ضمن معرفی مؤلف و اثر او، بخش‌هایی از کتاب از جمله برخی خاندان‌ها و طوایف معرفی شده در کتاب را آورده است.

واژگان کلیدی: بیوتات کربلاء القدیمة، سید عبدالصاحب ناصر آل نصرالله، کربلا، تاریخ، جغرافیا.

در سال ۱۴۳۲ قمری کتابی با عنوان «بیوتات کربلاء القدیمة» از سوی مؤسسه البلاغ بیروت (لبنان) منتشر شد که مؤلف آن «سید عبدالصاحب ناصر آل نصرالله کلیددار فائز موسوی حسینی» می‌باشد. نسب وی به سید ابراهیم، فرزند سید محمد عابد فرزند امام کاظم می‌رسد که مرقدش در جوار حرم حسینی قرار دارد. این اثر از نظر ترکیب مباحث، محتوا و چینش مطالب، با آثاری که قبلاً در این زمینه تألیف و نگاشته شده، تفاوت بارزی دارد. نویسنده در اسلوب کتاب و بیان آگاهی‌های گوناگون تاریخی، رجالی، انساب و مسائل جغرافیایی، نهایت دقت، تأمل و تحقیق را به کار برده و مطالبی مستند و متقن را در آن آورده که در مقایسه با منابع متقدم یا معاصر، تازگی دارد. کتاب یادشده در چهار فصل و ۶۱۳ صفحه تنظیم شده است. فصل اول شامل مقدمه، تمهید و معرفی نسخه مخطوط علامه شیخ محمدعلی قصیر درباره بیوتات کربلا می‌باشد. دومین فصل کتاب، به شرح و تحقیق اعلام مندرج در این رساله اختصاص دارد که بیش از نیمی از کتاب را در بر می‌گیرد و مفصل‌ترین بخش آن است. فصل سوم به معرفی بیوتاتی از کربلا اختصاص یافته که در این رساله نامی از آنها نیامده است. چهارمین و آخرین فصل کتاب به عشایر مدینه کربلا و بیوتات پیوسته به قبایل پرداخته است. کتاب خاتمه‌ای هم دارد.

نکات محوری درباره محتوای کتاب

مؤلف در دیباچه، خوانندگان را به نکاتی درباره محتوای کتاب، هدف و سبک نگارش و مستندات مطالب توجه داده است که محورهای آن به شرح ذیل است:

۱. مباحثی درباره قدمت کربلا و شکل‌گیری شهر تا دهه‌های اخیر.
۲. شرح کافی درباره حوادث و وقایعی که در کربلا، طی اعصار گوناگون به وقوع پیوسته و در احداث این دیار موثر بوده است.

۳. معرفی شخصیت‌هایی که در رویدادهای این شهر مقدس دخالت داشته یا محور اصلی این فرازهای تاریخی بوده‌اند و نیز افتخاراتی که آنان آفریده‌اند و فرزندان و احفادشان به آنها مباحث کرده‌اند.

۴. از بحث‌های محوری کتاب، شرح و تحقیق نسخه مخطوط علامه و ادیب مشهور شیخ محمدعلی قصیر، ملقب به «قصیر الادباء» است. در این اثر، اشاراتی گذرا به بیوتات، شخصیت‌ها، حوادث و برخی اعلام جغرافیایی و رجالی گردیده که مؤلف ضمن تصحیح متن این نسخه، با تعمق و ژرفاندیشی به بیان و شرح و توضیح نکات آن پرداخته است.

۵. خواننده در این اثر مطالبی مشروح و وافی درباره عشایر و قبایل باسابقه کربلا اعم از علوی و غیرعلوی مشاهده می‌کند؛ گروه‌های کوچ‌نشینی که در شکل‌گیری جوامع شهری و ساخت محلات و معابر و برخی بناها موثر بوده‌اند.

۶. کتاب حاوی معلومات فراوان تاریخی، اجتماعی و علمی است که به نوعی به کربلا ارتباط دارد.

۷. تمام مطالبی که تدوین شده، متکی به مصادر موثق و مستند می‌باشد و مؤلف کوشیده است تا هنگام تألیف اثر، تمام منابع و مآخذی را که به گونه‌ای با بحث‌های مندرج در این کتاب مرتبط است، ملاحظه کند و به محک تحقیق و تطبیق قرار دهد، آن‌گاه به آنها استناد کند.

۸. مؤلف کوشیده تا در هنگام معرفی بیوتات و بزرگان آنان و نیز قبایل و عشایر، از برخی موارد تردید‌آمیز و اغماض برخی مؤلفان که به استفاده مادی آمیخته بوده، پرهیز کند. مؤلف می‌گوید که این شیوه، اسلوب مبتدلی است و در نهایت نامی را به عنوان بیوتات می‌آورد تا

افرادی از خاندان منتسب بدان، به آنها مباحثات کنند. اما نباید از این واقعیت به سادگی عبور کرد که اکثر مؤلفان، کار خود را با اخلاص و وفا و صداقت به انجام رسانده‌اند.

۹. در معرفی بیوتات و مشاهد کربلا، به بزرگانی که در توابع این دیار مقدس می‌زیسته‌اند یا در دیگر عتبات رحل اقامت افکنده‌اند، توجه شده است.

۱۰. این که موارد نادری از بیوتات در کتاب معرفی نشده، از روی عدم آگاهی مؤلف نبوده است؛ بلکه هدف این کتاب بیوتات قدیمی است و احتمالاً آن موارد جزء خاندان‌های جدید می‌باشند. گاهی نیز برخی مصادر در معرفی خانواده‌ها نظر واحد و منسجمی نداشته‌اند و در نتیجه، مؤلف از ذکر نمونه‌های این گونه پرهیز کرده است. در مواقعی هم منابع و مآخذ در حدی نبوده که مؤلف را در این راستا مصمم گرداند که با قطعیت، بیتی را در زمره بیوتات کهن، فهرست نماید.

طوایف ساکن در کربلا، در گذر تاریخ

مؤلف پس از مقدمه‌ای کوتاه، ذیل «مدینه کربلاء» گذری بر تاریخ کربلا با تأکید بر مهاجرت خاندان‌ها، اقوام و اشخاص به این شهر مقدس دارد و می‌نویسد:

خداوند بر زمین کربلا منت نهاد و قداست و شرافت و علو مکان را نصیب آن ساخت؛ زیرا امام آزادگان حضرت امام حسین علیه السلام، برادران، فرزندان و پسران برادرش و جمعی از اصحاب گرامی او در محرم سال ۶۱ هجری در این مکان به شهادت رسیدند و برای اعتلای کلمه حق، از خود فداکاری نشان دادند.

وی یادآوری می‌کند این که عده‌ای از همان ایام بر زیارت قبر امام حسین علیه السلام اصرار می‌ورزند و تأکید دارند، درست نیست و نقل صواب را سال ۲۴۷ هجری می‌داند. در فصل دوم، فقره سوم، نتایج تحقیق و بررسی خود را در این باره آورده است.^۱ در همین سال متوکل با نقشه فرزندش، منتصر، به هلاکت رسید. وی به عمران کربلا اهتمام ورزید و اموالی را برای بازسازی این بنا اختصاص داد و مردم بار دیگر برای سکونت در این سرزمین مقدس هجوم آوردند.

مؤلف که از نسل سید ابراهیم مجاب و از آل فائز است می نویسد:

با کشته شدن متوکل توسط فرزندش، در سال ۲۴۷ هجری، اولین علوی که از کوفه به کربلا هجرت کرد و جوار مرقد جد خود امام حسین علیه السلام را برای سکونت انتخاب کرد، جناب سید ابراهیم، معروف به ضریر کوفی، فرزند سید زاهد محمد عابد است. وی را در این سفر اولاد و برخی پیروانش همراهی می کردند. احفادش و خاصه آل فائز که در کربلا اقامت گزیده بودند، متولی خدمت به مرقد اجداد خود در کربلا گردیدند. سرپرستی و صیانت از مشهدين کربلا و نیز نقابت حائر را نیز این افراد به همراه برخی علویان دیگر نیز سال‌های طولانی عهده دار بودند.^۲

سید ابراهیم مجاب، جد اعلای سادات آل فائز است که امروزه در کربلا به آل طعمه، آل نصرالله، آل ضیاء الدین، آل تاجر، آل مساعد و آل سید امین معروفند.^۳ به گفته سید محسن امین، چون ابراهیم به بارگاه امام حسین علیه السلام سلام کرد و از قبر امام پاسخ شنید، به «مجاب» معروف شد.^۴ ابن زهره حسینی نیز چنین دیدگاهی دارد.^۵ قبر سید ابراهیم تا ۱۲۱۷ هجری در صحن شریف بود، ولی وقتی رواق‌های شرقی و غربی و بخش شمالی صحن به حرم پیوست، قبر وی در رواق غربی در سمت شمال آن قرار گرفت.^۶

سید عبدالصاحب ناصر آل نصرالله می گوید:

از قرن چهارم هجری کربلای کنونی شکل گرفت و به تدریج توسعه یافت و بر امتداد معابر آن افزوده شد و در عمران آن اقداماتی صورت گرفت. برای تأمین طعام و قوت اهالی نیز مزارع و باغاتی در اطراف شهر احداث گردید و برخی افراد که برای کشاورزی در این مزارع و درخت کاری و باغبانی، آبیاری و احیای قنوات به کربلا آمده بودند، رفته رفته در کربلا مستقر شدند و محلاتی را به خود اختصاص دادند. بدین گونه، تنوع قومی از قبایل مختلف عربی، ساختار اجتماعی کربلا را شکل داد. با گذشت زمان و به دلیل تأسیس مراکز علوم دینی در کربلا و علاقه مسلمانان به فراگیری معارف اعتقادی و شرعی و ارادت به برادر امام حسین علیه السلام یعنی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و دیگر شهدای عاشورا برخی از آنان در جوار این حرم ساکن می شدند و به آن مباهات می نمودند. این سرزمین با شاخه‌ای از رود فرات به نام «نهر علقمی» مشروب می گردید

و در اطرافش آبادی‌هایی مثل نینوا، غاضریه، نواویس، عقد و شفیه (شفیه) دیده می‌شد. اقوامی از قبیله بنی‌اسد که ریشه در بنی‌تمیم دارند در این روستاها زندگی می‌کردند. در تاریخ معروف است که بنی‌اسد برای دفن پیکرهای مطهر و شریف شهدا اقدام نمودند و آنان اولین افرادی بودند که در حوالی قبر امام حسین علیه السلام ساکن شدند... در دوران حکمرانی امویان با وجود این که فرمانروایان این سلسله، تنگناهایی برای زائرین و علاقه‌مندان مرقد شهیدان کربلا به وجود می‌آوردند و حتی با شدت افراد را از زیارت این مکان منع می‌کردند و به‌ویژه در زمان هشام بن عبدالملک، افرادی مسلح را در حوالی قبر گماشته بودند، عده‌ای از محبان اهل بیت علیهم السلام برای زیارت این مضجع شریف می‌آمدند و از این بابت هراسی به دل راه نمی‌دادند. با سقوط امویان و روی کار آمدن بنی‌عباس، شرایط مطلوبی برای این زائرین فراهم گردید تا با آزادی، این بارگاه را زیارت کنند و عده‌ای این شهامت را یافتند که در مجاورت مرقد شهید کربلا ساکن شوند. بدین گونه به دلیل استمرار این وضع و افزایش مجاورین مرقد، محلاتی برای زائران به وجود آمد و بازارهایی نیز برای فعالیت‌های اقتصادی و گسترش روابط تجاری شکل گرفت. ساکنانی که به مرقد شریف نزدیک تر بودند، به خدمت برای زائرین و رسیدگی به امور حرم حسینی برخاستند. رفته رفته ساکنان قریه‌های مجاور که زندگی عشایری داشتند، ترجیح دادند محل سکونت خود را ترک گویند و در کربلا مقیم شوند. این روند تا زمان روی کار آمدن متوکل عباسی ادامه یافت و در این مدت به عمران و آبادانی کربلا از نظر بیوت و بازارها و مزرعه‌ها و باغات افزوده شد. در سال ۲۴۷ هجری متوکل ضمن این که مردم را از زیارت مرقد امام حسین علیه السلام منع کرد، فرمان داد تا آثار قبر را از بین برده، زمین آن را شخم بزنند و در آن زراعت کنند. دیده‌بان‌هایی نیز در راه‌های منتهی به کربلا گماشت تا هر که را قصد زیارت دارد، دستگیر و مجازات کنند یا به قتل برسانند.

مؤلف نقل قول‌های گوناگونی را در این باره بررسی کرده و یادآوری می‌کند: این که ادعا شده است این حوادث دردناک در سال ۲۳۷ هجری صورت گرفته و گروه‌هایی از افراد مسلمان، ولی غیرعرب به سوی کربلا کوچ کردند و با این که می‌توانستند بعد از فراگیری علم مورد نظر، به زادگاه خود بازگردند، ولی چون محبت ایشان نسبت به خاندان عترت با

معرفت و بصیرت عجیب گردیده بود، ترجیح دادند که سرزمین آبا و اجدادی را ترک گویند و در کربلا استقرار یابند. این مهاجرین جدیدتر ضمن این که بر محلات و معابر کربلا افزودند و در عمران و توسعه این شهر مقدس مشارکت داشتند، در مقابل برخی تعرض‌ها به کربلا به دفاع برخاستند و در خط مقدم مبارزه با متجاوزان قرار گرفتند. همچنین در شکوفایی علمی و فرهنگی و غنای آموزشی حوزه‌ها و افزایش میراث فرهنگی شیعه در جوار بارگاه اسوه حماسه‌ها، سهم ارزنده‌ای داشتند. به گفته مؤلف «بیوتات کربلاء القدیمه» بدین گونه تاریخ کربلا به لحاظ جوامعی که در آن ساکن شدند، با عوامل دینی، علمی، سیاسی، تجاری، کشاورزی و عشایری آمیخته گشت. مؤلف در یک جمع‌بندی کلی، عوامل و محورهای ذیل را در پیدایش عشایر، بیوتات، خاندان‌ها و شخصیت‌ها مؤثر می‌داند:

۱. مسایل اداری، سیاسی و امارتی؛
۲. متصدیان وقایع، حوادث و رویدادها؛
۳. رؤسای قبایل و عشایر کوچ‌نشین؛
۴. مالکان اموال، زمین‌ها، مزارع و باغات؛
۵. فعالان بخش بازرگانی و اقتصادی؛
۶. پیوستگی و خویشاوندی با بعضی جوامع عشایری و جمعیت‌های مهاجر؛
۷. شرافت نقابت حائر، سرپرستی و تولیت مشاهد مقدس و نیز خدمه اماکن متبرکه.^۷

دسترنسی مؤلف به نسخه‌ای نفیس

مؤلف در بخشی از فصل اول کتاب که آن را «تمهید» نامیده است، از ارتباط دوستانه‌اش با مرحوم سید محمدسعید، فرزند سید محمدعلی آل‌ثابت سخن می‌گوید که البته نسبت خویشاوندی هم با خاندان آل‌نصرالله که او از آنهاست، دارد. وی از این شخصیت به عنوان ادیبی گرانمایه یاد می‌کند که مطالعات ممتاز و مشهوری در نسب‌های سادات و افاضل کربلا دارد. سپس می‌افزاید: این سید فاضل کتابخانه‌ای حاوی نسخه‌های خطی و مطبوع داشته که در آن وثائق و مشجراتی درباره نسب‌های خاندان‌ها نگه‌داری می‌شد، که از قدیم برجای مانده است. سلمان هادی آل‌طعمه از این کتابخانه یاد کرده و افزوده است در آن کتب نفیس و ارزشمندی در تاریخ عراق و بلاد عربی مضبوط بوده که بعضی از آنها به زبان‌های عربی

و فارسی و مخطوط بوده‌اند. این کتابخانه در خانه او و در محله باب الطاق واقع بوده است.^۸ وی در جای دیگر به این نفایس اشاره کرده است.^۹ سید عبدالصاحب نصرالله می‌گوید: این کتابخانه را که به نام «مکتبه العامره» شناخته می‌شود، بازدید کردم و در برخی مخطوطات آن تفحص به عمل آورده و محتوای پاره‌ای اوراق و وثائق را ارزیابی کرده‌ام. خود سید محمد سعید آل‌ثابت نیز ملاحظاتی در اغلب کتاب‌های این کتابخانه داشته و بر اغلب آنها حواشی و مطالبی نوشته است. وی در ادامه تأسف می‌خورد که این ذخایر گران‌بها پس از ارتحال سید محمدسعید چه وضعی پیدا می‌کند و بنا بوده که این مجموعه نفیس به کتابخانه روضه مقدسه امام حسین علیه السلام اهدا شود و مسئولین این کتابخانه تعهد کردند آنها را در جای ویژه‌ای قرار دهند و به نام «مکتبه السید محمدسعید آل‌ثابت» از آن حفاظت کنند و تاریخ انضمام این آثار و نیز شرح حال کاملی از آن مرحوم نیز تهیه شود. بدین گونه تراث مزبور ضمن این که حفاظت می‌شد، مورد استفاده اهل تحقیق و نویسندگان قرار می‌گرفت؛ ولی با تأثر می‌گوید گویا این برنامه عملی نشد و بدین گونه کتابخانه آستان مقدس حسینی از آثار گران‌سنگ محروم گردید.

مؤلف کتاب «بیوتات کربلاء القدیمة» یادآوری می‌کند که در رجب ۱۴۱۳ هجری این سید ادیب را در مرکز اداری روضه امام حسین علیه السلام دیدم که مشغول خدمت‌رسانی به زائرین و مجاورین حرم بود. او به من گفت: نسخه‌ای مخطوط از عالمی جلیل دیده‌ام که از روی آن رونوشتی تهیه شده است که مطابق با اصل می‌باشد؛ مگر این که نسخه جدید حواشی و تعلیقاتی نیز دارد. او این نسخه را به من داد و درخواست کرد نسخه‌ای از آن تهیه کنم. پس خدای را سپاس گفتم و از این بابت شادمان گردیدم؛ زیرا امانت و هدیه‌ای گران‌قدر را دریافت کرده بودم. سید محمدسعید نسخه دوم را در رمضان المبارک ۱۳۸۶ قمری براساس نسخه اصلی تحریر کرده بود و من هم در ۱۴۱۳ قمری کتابت آن را به انجام رساندم و پس از استنساخ آن، تحریر سید محمدسعید را به خانواده‌اش بازگرداندم تا همراه با نسخه اصلی در جای خود نگه‌داری شود.

سید عبدالصاحب آل نصرالله تصریح می‌کند که این نسخه نفیس مخطوط «لمعة تاریخیة فی بیوتات کربلاء و الغاضریة» نام دارد که مؤلف آن شیخ محمدعلی قصیر می‌باشد و در ۲۷

رجب سال ۱۳۳۳ قمری نگارش آن را در مدرسه صدر کربلا به انجام رسانده است. این رساله خطی اگرچه مختصر می‌باشد، اما معلومات ارزشمندی درباره بیوتات کربلا اعم از علوی و غیر آن و نیز طوایف معروف و مشهور ارائه داده، و در ضمن حاوی مطالب رجالی و تاریخی و جغرافیایی می‌باشد. مؤلف، این نوشتار را با تکیه بر دو مأخذ و نیز اطلاعات شخصی تدوین کرده است؛ چنان که در مقدمه می‌گوید مقداری از مطالب بر اساس اظهارات رجال نامداری تهیه شده که نسبت به حوادث کربلا آگاهی‌های ارزنده‌ای داشته‌اند. همچنین برای مشخص شدن برخی واقعیت‌ها درباره این موضوع، کوشش مؤلف بر آن بوده تا به کتب انسب و مشجرات مراجعه شده و پس از بررسی‌های لازم، نکاتی درباره بیوتات کربلا و خاندان‌های معروف این شهر استخراج گردیده و پس از جرح و تعدیل و تطبیق‌های لازم، در نگارش رساله از آنها استفاده شده تا حقایقی در این باره مکشوف گردد.

مؤلف کتاب اصل این رساله را به طور کامل و با حروفی متمایز از متن کتاب در بخشی مجزا^{۱۰} آورده است، اما در فصلی جداگانه، برخی مفاهیم، عناوین و اعلام تاریخی، جغرافیایی و رجالی آن را شرح و تحقیق کرده و در تعلیقاتی به صورت پی‌نوشت‌های شماره‌گذاری شده، توضیحات کامل و جامعی درباره بیوتاتی که در این و جیزه به آنها اشاره شده، درج کرده است. وی در این تلاش سترگ پژوهشی، از حواشی و نکاتی که سید محمدسعید آل ثابت در حاشیه این رساله نگاشته، بهره‌های فراوان برده است.

اما سید عبدالصاحب پیش از آوردن متن این رساله و شرح و تفسیر آن، به معرفی مؤلف آن یعنی شیخ محمدعلی قصیر پرداخته است. در آغاز این ترجمه، وی از بررسی‌های سید محمدسعید درباره نسب‌نامه این ادیب فرزانه بهره می‌برد که براساس نوشته او نسب شیخ مذکور بعد از ده نسل، به حاج محمد بغدادی، متولی مشهدین شریفین امام حسین و حضرت ابوالفضل (علیه السلام) می‌رسد. سید عبدالصاحب پس از درج این نسب‌نامه به نقل از سید محمدسعید آل‌ثابت می‌گوید: شیخ مورد اشاره از خاندان آل‌قاضی است که این طایفه از ساکنین قدیمی کربلا بوده و اصل آنان از قبیله خفاجه است. این‌ها در اواخر قرن نهم هجری از بغداد به کربلا مهاجرت کرده‌اند و در جوار بارگاه حسینی اقامت گزیده‌اند. هجرت مذکور در عهد حاج محمد قاضی بغدادی، معروف به «قاضی القضاة» صورت گرفته؛ همان کسی که سرپرستی

دو آستان مقدس کربلا را عهده‌دار گردیده بود. این قاضی اراضی وسیعی در منطقه کمالیه و حُرّ کبیر در اختیار داشته که بخشی از آنها را در ازای گرفتن وجه، به سید نعمت‌الله و سید کمال‌الدین، فرزندان سید ثابت معروف به آل‌زحیک در سال ۹۹۱ هجری واگذار کرده و املاک باقی‌مانده با عنوان اموال قاضی معروف بود. از محمدعلی قصیر دو فرزند به نامهای عبدالجلیل و عبدالحسین باقی ماند و اکنون نواده‌اش فاضل بن عبدالحسین بن محمدعلی قصیر الادبا در کربلا زندگی می‌کند.^{۱۱}

مؤلف کتاب پیش از شرح و توضیح رساله مرحوم محمدعلی قصیره را خوانده و به نکاتی اجمالاً توجه داده است:

۱. با وجود این که در منابع متعددی اعم از مخطوط و مطبوع، نکاتی درباره عشایر عرب که از سادات و اشراف بوده‌اند و نقشی برجسته در سرپرستی مراقد شریف کربلا و تولید اماکن مقدسی و نقابت اشراف داشته‌اند، آمده و مؤلف هم به این آثار دسترسی داشته، ولی گویا درباره معرفی این خاندان در رساله مذکور تسامحی صورت گرفته است.

۲. بیوتاتی در رساله مذکور معرفی شده‌اند که جزو خاندان‌های کهن کربلا نیستند؛ بلکه در زمره مهاجرین، آن هم غیرعرب‌اند و صرفاً به انگیزه فراگیری علوم دینی و تدریس در حوزه علمیه به کربلا آمده و در جوار حرم ساکن شده و مورد تکریم اهالی قرار گرفته‌اند و مؤلف رساله که خود از رجال دین و علم بوده، به معرفی آنها اهتمام ورزیده است و گویا مقام علمی مد نظرش بوده، نه سوابق تاریخی.

۳. مؤلف از بسیاری مباحث پیرامون خاندان‌های کربلا به اختصار و بسیار موجز گذشته و بحث‌ها را به طور مستوفی و حاوی فوایدی قابل تعمیم مطرح نساخته است.

۴. نویسنده این مخطوط از آوردن مصادری که به آنها اعتماد کرده، جز مواردی که منابع و مآخذ جنبه عمومی دارد، پرهیز کرده و این فقدان منابع به‌ویژه درباره معرفی بیوتات عربی اصیل قابل مشاهده است؛ خاندان‌هایی که برای پژوهش در احوال آنان مستندات و وجود دارد و افراد این طوایف به آنها افتخار می‌کنند؛ ضمن این که وثائق متعددی در این باره، در تملک آنان می‌باشد.

۵. خانواده‌ها و بیوتاتی با قدمت بسیار در کربلا می‌زیسته‌اند که برای نگارنده روشن نیست چرا در این نوشتار معرفی نشده‌اند و اگر هم می‌خواستیم درباره آنها مطلبی بیاوریم،

امکان‌پذیر نبود؛ زیرا از مضمون آنچه در این اثر مخطوط آمده، خارج می‌شدیم و ناگزیر در فصلی مستقل (فصل سوم) پس از شرح و تحقیق نوشته مذکور به ذکر آنها پرداخته‌ایم.

۶. مرحوم سید محمدعلی قصیر در خاتمه دستخط خود، به کوچ‌نشینان و قبایلی اشاره دارد که در توابع و حومه و اطراف کربلا ساکن بوده‌اند، ولی صرفاً به نام تعدادی از آنها بسنده کرده و با وجود نقش آنان در تاریخ و جغرافیا و اقتصاد کربلا مطالب مکفی و توضیحات لازم درباره آنها نمی‌آورد و لازم دیده شد که آنها به تفصیل و در فصل جداگانه‌ای به خواننده شناسانده شوند.

۷. مؤلف محترم رحمته‌الله در انتساب برخی خانواده‌ها به اصل آنان دچار لغزش‌هایی گردیده است که ضرورت تصحیح این خطاها اجتناب‌ناپذیر بوده است؛ ولی سعی بر این بوده که این اصلاحات در متن دست‌نوشته صورت نگیرد و حفظ امانت در درج آن رعایت گردد، اما در فصل حاضر که شرح و تحقیق مندرجات رساله است، نهایت دقت و انصاف به عمل آمده تا خطاهای راه یافته به نوشتار حاضر بر طرف گردد.

توضیحاتی مستند و توأم با تحقیق و تأمل

مشروح‌ترین و مفصل‌ترین فصل کتاب به شرح اعلام رساله مرحوم سید محمدعلی قصیر اختصاص یافته است. مؤلف کتاب «بیوتات کربلاء القدیمة» در توضیح این اعلام جغرافیایی، تاریخی و رجالی، نخست دیدگاه مورخان یا جغرافی دانان مشهور را با ذکر مآخذ دقیق آورده و ضمن ارزیابی تحلیلی این نظرها و جمع‌بندی آنها، محصول پژوهش‌ها و دقت‌های خود را برای خواننده تشریح می‌کند و گاه به کتاب دیگر خود با عنوان «مدینه کربلاء، تاریخ و قداسة» ارجاع می‌دهد. برای مثال در توضیح عنوان جغرافیایی «طف» می‌نویسد: «در لغت، منظور زمین‌هایی است که بر اراضی روستاهای عراق اشراف دارند.» سپس در تکمیل این مطلب، آنچه را یاقوت حموی در معجم البلدان گفته، آورده است:

دهکده طف، پیش از جنگ قادسیه و فتح عراق (در ۱۴ هجری) توسط سپاه اسلام، از بهترین گردشگاه‌ها و شکارگاه‌های شاهزادگان، امرا و اعیان شاهنشاهی ساسانی و همچنین دارای برج مراقبت و مرکز حراست مرزی بود. در جنوب آن، شاپور اول خندقی حفر کرد و نگهبانانی برای جلوگیری از حمله اعراب بادیه‌نشین به مرزهای جنوبی ساسانی گماشت که آثار این خندق تاکنون

باقی است. این دهکده (بین راه کوفه و کربلا) در کنار نهر علقمی و در شمال شرقی، در جوار صحرای کربلا قرار دارد... خداوند اعراب را به دعای رسول اکرم ﷺ نصرت داد و آن را فتح نمود و از دست اعاجم خارج کردند و در این سرزمین بود که حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید.^{۱۲}

امام حسین در روز دوم محرم الحرام ۶۱ هجری وقتی به طف رسید، از نام آن سرزمین پرسید و چون عرض شد که نام آن طف است، فرمان داد اهل بیت علیهم السلام و یاران به مسیر خود ادامه دهند تا به کربلا رسیدند.^{۱۳}

از آغاز واقعه طف تا عصر حاضر، شعرا در سرودهایی از طف یاد کرده‌اند که سید عبدالصاحب ناصر مطلع و نمونه‌هایی از آنها را آورده است؛ از جمله مرثیه ابودهل الجمحی.^{۱۴} اما وی به اظهار نظر زمخشری درباره طف اشاره نکرده و گویا به نوشتار وی مراجعه ننموده است. وی می‌گوید: «طف جایگاهی بلند و مشرف بر سرزمین‌های عرب و دهکده‌هایی در عراق است».^{۱۵}

ناگفته نماند که در فرهنگ و ادبیات عاشورا نام‌های طف، طفوف، قتل الطف، ارض الطف، یوم الطف، واقعه الطف و یوم الطفوف بسیار آمده است و نیز جماعتی از اعظم و زعمای حوزه علمیه کربلا به «مدرس الطف» شهرت یافته‌اند؛ از جمله سید ابوالفتح عزالدین نصرالله که در سال ۱۱۶ ق به شهادت رسید و نیز شیخ میرزا علی نقی برغانی صالحی که سید عبدالصاحب ناصر به این نکته‌ها هم اشاره‌ای ندارد.

عنوان جغرافیایی دیگری که وی به توضیح درباره آن پرداخته، لفظ «حائر» است. نوشته‌اند: حائر با کسر «ی» به زمین پستی می‌گویند که اطرافش بلند باشد و مشهد امام حسین علیه السلام را حائر گویند؛ زیرا متوکل عباسی به قصد تخریب این بنا، به سویش آب روانه ساخت. در لغت عرب، حائر اسم فاعل از باب یحیر و حیرا می‌باشد و به زمینی اطلاق می‌شود که حوالی و اطرافش برآمده و بلند است؛ به گونه‌ای که آب در آن قرار یابد و راکد ماند؛ ولی این عنوان برای محدوده مرقده مطهر حضرت امام حسین علیه السلام و حتی برای سرزمین کربلا هم به کار می‌رود. تاریخ این نام‌گذاری را نمی‌توان به طور دقیق معین کرد، ولی از آثار کهن و متون روایی چنین برمی‌آید که نام حائر و حیر از گذشته‌های دور معروف بوده و حتی پیش از واقعه عاشورا به کار می‌رفته است؛ اما این نام‌گذاری تاریخی به سبب رویدادی مهم در

زمان متوکل عباسی شهرت تازه‌ای یافت؛ تا آن‌جا که برخی متأخرین پنداشته‌اند این نام از آن تاریخ نهاده شده است. مؤلف اعتقاد دارد این نام حتی به زمان پیش از اسلام بازمی‌گردد؛ زیرا بخت النصر از فرمانروایان کلدانی و حاکم دولت بابل بین سال‌های ۶۰۴ تا ۵۶۱ پیش از میلاد، فرمان داد تا بنایی به نام «حیرا» در این منطقه بسازند که محلی برای تاجران عرب بود و اطراف و جوانب آن بلندتر بود. شباهت بین حیره و حائر هم این دیدگاه را تقویت می‌کند؛ زیرا حیره شهری بود در حوالی کوفه در زمان ساسانیان که در آن‌جا ملوک لخمی حکومت می‌کردند و خسرو پرویز در ۶۰۲ م این سلسله را برانداخت و حاکمی برای آن‌جا تعیین کرد. در نهایت، این عنوان به کربلا هم گفته می‌شود؛ چنان‌که این سرزمین به نام‌های قرای مجاور مثل نینوا، غاضریه و غیر آن هم معروف است.

نکته‌ای که این مؤلف در ذیل مدخل مزبور به آن پرداخته ولی مهم است، موضوع تعیین حدود و مساحت حائر می‌باشد که چون روایات گوناگونی درباره آن وارد شده، و از سوی بارگاه امام حسین علیه السلام بارها از سوی دشمنان سفاک و فرقه‌های معاند تخریب و سپس از نو ساخته شده و همواری‌ها و ناهمواری‌ها دستخوش تغییر و تبدیل گردید، مشخص نمودن محدوده حائر بسیار دشوار خواهد بود، اما از سوی روشن شدن چنین محدوده‌ای با مسائل فقهی و شرعی ارتباطی وثیق دارد؛ چرا که طبق روایاتی معتبر، در محدوده حائر نماز مسافر تمام است و ضرورت دارد این قلمرو دقیقاً مشخص شود.

مؤلف ذیل عنوان «مقابر العلویین» تصریح کرده است:

در گذشته‌های نسبتاً دور مرسوم بود که مردم مردگان خود را داخل شهر به خاک سپارند؛ زیرا مقبره‌ای که در مشهد حسینی به وجود آمد، در منطقه باب طویریج کنونی قرار داشته است. این قبرستان به لحاظ وسعت و امتداد اطراف آن، بزرگ بوده، اما چون ساختمان اوقاف و مدارس در آن محدوده ساخته‌اند و خیابان‌هایی در آن‌جا احداث گردیده و دیگر از حالت قبرستان بیرون آمده و در شبکه اداری و ارتباطی نقش مهمی یافته، دفن اموات در آن ممنوع شده است، تا این که قبرستانی جدید در جنوب کربلا به وجود آمد و اکنون نیز موجود است و به «وادی قدیم» موسوم است. در سال‌های اخیر در بیرون شهر و در ابتدای راه کربلا به نجف محلی برای دفن مردگان در نظر گرفته شده است.

اما علویان و سادات ساکن شهر کربلا در گذشتگان خویش را از گذشته داخل حرم و صحن شریف امام حسین علیه السلام و برادرش حضرت ابوالفضل علیه السلام محض تبرک و تشفع به این مراقد مطهر، دفن می کرده‌اند و اکنون به نام «مقابر علویین» معروف است. در دهه‌های اخیر به دلایلی از دفن مردگان این افراد در صحن‌های شریف و حجرات آن‌ها جلوگیری می‌شود و برای افرادی که مالک مقابری در این آستانه‌های مقدس هستند، زمین‌هایی در مقبره جدید اختصاص داده شده که به رایگان در اختیار آنان قرار می‌گیرد.^{۱۶}

خاندان‌هایی که در فصل دوم معرفی شده‌اند:

۱. آل ابی‌الفائز

چندین قرن متوالی حرمین شریفین امام حسین و ابوالفضل علیه السلام بوده‌اند و نقابت اشراف و سادات را نیز بر عهده داشته‌اند. وجه تسمیه آنان به فائز این است که سرسلسله آنان سید ابی‌الفائز محمد نقیب حائری می‌باشد. این خاندان شریف به سید ابراهیم مجاب نسب می‌برند. خاندان‌هایی نیز از این سادات منشعب شده‌اند. از جمله آل مساعد از نسل سید ساعد شرف‌الدین، آل نصرالله منسوب به سید نصرالله از بزرگان اواخر قرن یازدهم هجری، آل طعمه که نسب آنان به سید طعمه الثالث سید حسن (زنده به سال ۱۰۴۳ق) می‌رسد. در فرمان سال ۹۹۸ هجری آمده است: سید طعمه ثانی، فرزند سید شرف‌الدین (نقیب اشراف) فرزند سید طعمه اول کمال‌الدین (نقیب الاشراف) فرزند ابی‌جعفر احمد ابوطراس فرزند یحیی ضیاء‌الدین فرزند ابی‌جعفر محمد فرزند سید احمد شمس‌الدین، ملقب به احمد بن هاشم (ناظر رأس‌الحسین) فرزند ابی‌الفائز محمد.

آل ضیاء‌الدین خاندانی مکرم و بیتی جلیل‌القدر از قبیله آل‌فائز است که سرسلسله آنان کمال‌الدین فائزی می‌باشد. شخصیت معروف آنان سیدحسین فرزند محمدعلی فرزند مصطفی فرزند محمد فرزند شرف‌الدین فرزند ضیاء‌الدین یحیی فرزند شرف‌الدین فرزند طعمه اول کمال‌الدین فائزی است که از سنین جوانی سرپرستی و تولید آستان حضرت ابوالفضل‌العباس علیه السلام را بر عهده داشته است. سادات آل‌تاجر که این عنوان را از جد خود سیدعلی تاجر فرزند ابی‌الحسن گرفته‌اند نیز، به ابی‌فائز محمد منتهی می‌گردند.

از شاخه‌های دیگرشان آل‌سیدامین می‌باشد. آنان از احفاد سید محمد امین هستند. فضیلتی

بسیاری از این خاندان برخاسته‌اند.

آل عقیل نیز از قبیله آل فائزند و به سید عقیل فرزند ابی جعفر احمد (ابوطراس) نسب می‌برند. این طایفه از کربلا به اصفهان مهاجرت کرده‌اند، اما افرادی از آنان هنوز در کربلا معلی ساکنند. برخی از این سادات در زمره خادمان حایر حسینی بوده‌اند؛ از جمله سید ابوالحسن (زنده به سال ۹۸۹ هجری) و سید نورالدین، فرزند کمال‌الدین عقیلی حسینی حائری (زنده به سال ۱۰۲۵ هجری) و سید عبدالله عقیل حسینی حائری (زنده به سال ۱۱۷۹ هجری).

۲. بیت زحیک

آل زحیک از خاندان‌های شریف و جلیلی هستند که نه تنها در کربلا بلکه در سرزمین عراق نقابت سادات، علویان و طالبیان را داشته‌اند. آنان از سلاله امیر الحاج ابراهیم المرتضی الاصغر، فرزند امام کاظم علیه السلام هستند. اولین علوی از نسل سید ابراهیم مرتضی که به کربلا مهاجرت کرد، سید ابو محمد عبدالله حائری نام دارد که نقابت طالبان عراق را بر عهده داشت. وی در مقابر قریش در کاظمین اقامت داشت. وجه تسمیه این سلسله به آل زحیک، پیوستگی آنان به ابی محمد یحیی زحیک از نوادگان سید عبدالله حائری مذکور است. شاخه‌ها و فروع آل زحیک که در فصل دوم معرفی شدند، فهرست‌وار به شرح ذیل است:

- آل ثابت: منسوب به سید ثابت بن کمال‌الدین سلطان.

- آل دُرّاج (آل نقیب): به سید محمد دراج فرزند سلیمان فرزند کمال‌الدین منتهی می‌گردد و نقابت حائر و اشراف را بر عهده داشته‌اند.

- آل سید یوسف: از احفاد سید یوسف فرزند ابی المعالی محمد فرزند سید ابی محمد عبدالله حائری.

- آل جلوخان: از شاخه‌های آل سید یوسف‌اند. آنان در محله جلوخان اقامت داشته‌اند.

- آل وهاب: منشعب گردیده از آل سید یوسف بن ابی المعالی محمد. جد آنان سید موسی هنگام یورش وهابیان به کربلا در ۱۲۱۶ قمری متولی روضه حسینی بود و به شهادت رسید.

- آل شرف‌الدین: به آل زحیک متصل می‌گردند.

- آل صدر: منسوب به آل شرف‌الدین از آل زحیک هستند. شخصیت‌های علمی برجسته‌ای

از این خاندان برخاسته‌اند که معروف‌ترین آنان عبارتند از: سیداسماعیل صدر فرزند سیدصدرالدین عاملی، فرزندش سیدحیدر صدر و نواده‌اش شهید و فقیه به خون خفته سیدمحمد باقر صدر. سیدمحمد صدر رئیس وزیران عراق در ۱۳۶۷ قمری و سید محمدصادق صدر. اصل این سادات از سرزمین لبنان است.

- آل‌الاشیقر: از سادات والامقام و علویانی هستند که به شرافت خدمات در شاهد شرف کربلا نائل آمدند. آنان در قرن دهم هجری از کاظمین به کربلا آمدند و برخی از ایشان در حوادث تاریخی این دیار مؤثر بوده‌اند. اولین نفر از این خاندان که متولی امور حرم مطهر گردید، سید عبدالحسین بن محمد‌الاشیقر می‌باشد. نسب این طایفه به سید علی‌اشیقر بازمی‌گردد که از احفاد امام هادی علیه السلام می‌باشد.

۳. آل‌عیسی

سومین قبیله ساکن کربلا از لحاظ قدمت بعد از آل‌فائز و آل‌زحیک که از نوادگان امام زین‌العابدین علیه السلام هستند. شعبه مهم این قبیله آل‌طوغان نام دارند که فرد مشهور آنان علامه سید حسین طوغانی حائری می‌باشد. بنی‌عیسی در محله‌ای به نام خودشان (محله آل‌عیسی) ساکن بوده‌اند، اما اکنون افرادی از آنان در کربلا باقی مانده‌اند و احفادشان در بغداد، نجف، حله و کاظمین ساکن‌اند.

۴. سادات طباطبایی

این سادات هم از طرف پدر و هم از طرف مادر به ائمه نسبت می‌برند و به همین دلیل آنان را حسنین (حسینی، حسنی) هم گفته‌اند. اولین نفر از این طایفه که در کربلا ساکن شد، سید مرتضی طباطبایی زواره‌ای است. وی از شهر زواره از توابع اصفهان به عراق مهاجرت کرد. برخی هم گفته‌اند نخستین فرد این خاندان که به عتبات آمد و کربلا را وطن خود برگزید، علامه سید محمدعلی فرزند سید محمد فرزند سید عبدالکریم فرزند سید مراد طباطبایی زواره‌ای است. او پدر علامه سید علی طباطبایی، صاحب کتاب «ریاض المسائل» می‌باشد. هجرت وی در قرن دوازدهم هجری صورت گرفت.

آل بحرالعلوم نیز شاخه‌ای از این طایفه است که جدشان سیدمرتضی فرزند سیدعبدالکریم فرزند سید اسماعیل می‌باشد. از این خاندان رفیع و علمی و شرافتمند علمایی جلیل‌القدر،

فقهای بزرگ و رجالی نامور برخاسته‌اند و در جهان تشیع پرتو افشانی کرده‌اند. از جمله آنهاست: سید محمد مهدی بحر العلوم، سید علی نقی فرزند سید محمد تقی بحر العلوم و سید جواد بحر العلوم.

۵. بیت آل‌الهر

از بیوت کهن کربلا و شعبه‌ای از قبیله خفاجه که در طهمازیه ساکن بوده‌اند و نهر طهمازیه که در محل سکونت آنان جاری بوده، به دستور شاه طهماسب اول صفوی حفر شد. تا آب رودخانه فرات را به جانب کربلا روانه کند. این خاندان در قرن دوازدهم هجری به کربلا آمدند. اولین مهاجر آنان شیخ احمد حائری مشهور به «الهر» می‌باشد. از این طایفه علمای بزرگ، شاعران، ادیبان و شخصیت‌هایی که در قیام‌های کربلا نقش داشته‌اند برخاستند. آنان در محله باب السلالمه ساکن بوده‌اند.

۶. بیت ابوالحب

خاندانی با اصالت عربی که در اواخر قرن دوم هجری از حویزه به کربلا آمدند و مجاور قبر امام حسین علیه السلام اقامت گزیدند. این خاندان از قبیله کعب منشعب شده‌اند و به وجود شخصیت‌های علمی، فکری و ادبی افتخار دارند. سید محسن امین برخی از علمای آنان را در کتاب «اعیان الشیعه» معرفی کرده است. از آن‌جا که اجدادشان در تجارت حبوبات فعالیت داشتند، به بیت ابوالحب مشهورند.

۷. بیت کمونه

خاندانی از قبیله بنی‌اسد که در کوفه ساکن بودند. آنان در عصر جدّ خود، شیخ عیسی کمونه (از آل‌مراد) به کربلا کوچ کردند. نیاکان آنان از خادمان بارگاه حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف بودند، ولی املاک، مزارع و باغاتی در کوفه داشتند. در آن‌جا بین اهالی به «آل‌مراد اسدیین» مشهور بودند، ولی چون عازم کربلا شدند، به «بیت کمونه» موسوم گردیدند. شیخ مهدی از نسل شیخ عیسی کمونه، تولیت آستان مقدس حسینی را بر عهده داشت و تا ۱۲۷۳ قمری بر این سمت باقی بود. از حوادث زمان وی قیام اهالی کربلا بر ضد محمد نجیب پاشا در ۱۲۵۸ قمری است. این امیر طغیان‌گر به کربلا حمله برد و بسیاری را به

شهادت رساند. عده‌ای نیز به حرم امام حسین علیه السلام پنا بردند. شیخ مهدی کوشید از شدت این فاجعه خونین بکاهد.^{۱۷} درباره این که چرا این طایفه به «بیت کمونه» مشهور گردیدند، گفته‌اند که آنان نزد سادات کمونه، از علویان نجف مشغول فعالیت بودند.^{۱۸}

۸. آل فتونی

از بیوت کهن کربلا که چون اصل آنان از شهرک فتون در جبل عامل لبنان است، به این نام شناخته شده‌اند. این خاندان به راستی، فقاقت و فضیلت مشهورند و در احداث شهر کربلا و عمران و آبادانی مراقد مطهر این شهر مشارکت داشته‌اند. محل اصلی سکونت آنان محله باب بغداد و باب سلالمه بود. اکنون کمتر فرزندان و احفادی از آنان در کربلا زندگی می‌کنند.

۹. آل قندیل

خاندانی از نژادی عربی که به قبیله بنی اسد نسب می‌برند و از متقدمین بیوت این سلسله می‌باشند و متعهد خدمت به مرقد امام حسین و حضرت ابوالفضل علیه السلام گردیدند. آنان از ساکنان غاضریه بنی اسد بوده‌اند که امروزه به «جعفریات» موسوم است و در شمال کربلا قرار دارد. این طایفه افتخار دارد از احفاد قومی هستند که امام حسین علیه السلام را یاری دادند و درباره دفن اجساد شهدا اقدام کردند و چون در هیئت قندیل‌های روضه مقدس امام حسین علیه السلام فعال بوده‌اند، به آل قندیل معروفند.

۱۰. آل مستوفی

بین اهالی کربلا معروف و مشهور است که این خاندان در قرن دوازدهم هجری همراه سپاهیان نادرشاه افشار به منظور خدمت به مشاهد مقدس کربلای معلی، از ایران به این دیار مقدس کوچ کرده‌اند. این طایفه گرچه از ایران به کربلا مهاجرت کردند، ولی ریشه عربی دارند و به قبیله خزاعلی منتسب می‌باشند.^{۱۹} عالم جلیل شیخ حسین مستوفی، متوفای ۱۲۲۸ قمری و مدفون در منطقه «تل زینبیه» شخصیت نامدار این طایفه است. آل مستوفی غالباً در محل باب الخان (علقمی) اقامت دارند.

۱۱. آل سلالمه

یا آل السلامی از عشیره‌های بزرگ، معروف و قدیمی کربلا هستند و از آن‌جا که در محله

باب السلالمة (از محلات بزرگ کربلا در شمال مرقد امام حسین علیه السلام) ساکن بوده‌اند، به این نام مشهورند. آنان علاوه بر خدمت در روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام علما و ادیبی را در دامان خود پرورش داده‌اند.

۱۲. بیت آل عواد

طایفه‌ای عربی و اصیل و منسوب به قبیله شمّر (الخلیل) و از بطن ربیعہ که پیش از قرن هشتم هجری در جزیره العرب بودند، تا آن که بینشان اختلاف به وجود آمد. سه برادر با فرزندان‌شان بعد از این نزاع و تفرقه به عین التمر (شفائیه) رفتند، اما در آن جا نیز با هم متحد نبودند. پس یکی از آنها به کربلا، دیگری به حله و سومی به ناصریه رفت. عواد بن سالم بن سهیل اولین نفری بود که در قرن نهم هجری راهی حائر حسینی گردید. آنان را نباید با آل عوید منتسب به عنزه که در قرن دوازدهم به کربلا آمدند، اشتباه گرفت.

۱۳. آل ماجد (آل سید طالب)

ساداتی جلیل‌القدر و دارای مکانت و احترام در کربلا و از خدام عتبات مقدسه که جد آنان سید عالم ماجد بن حسن می‌باشد. نسب وی به امام کاظم علیه السلام می‌رسد.

۱۴. بیت آل مخبوص

خاندانی علوی و عربی از نسل امام حسن علیه السلام که در قرن دوازدهم هجری از حله به کربلا آمدند. آنان در کربلا با نام بیت القصیر معروفند؛ زیرا به سید محمد قصیر نسب می‌برند.

۱۵. آل کفن‌نویس

ساداتی که اکنون هم در کربلا به آل اصلان موسومند. آنان از احفاد حمزه بن موسی کاظم علیه السلام مدفون در ری هستند که در ۱۲۵۰ هجری به کربلا آمدند. به ایشان آل اصلان گفته‌اند، چون یکی از اجدادشان جعفر بن اصلان الموسوی الحسینی نام دارد و از این جهت این طایفه را کفن‌نویس گفته‌اند که نیاکان آنان بر کفن‌ها ادعیه اذکار و آیات قرآن می‌نوشته‌اند تا جامه متوفا متبرک شود.

۱۶. آل مایشه

خاندانی سید، علوی و از نژاد عربی منسوب به امام کاظم علیه السلام که در اواخر قرن سیزدهم هجری از دهکده‌های منطقه سماوه و دیوانیه به کربلا آمده‌اند. بدین جهت آنان به مایشه شهرت یافته‌اند که در مزارع و باغات مشغول آبیاری بوده‌اند، ولی در کربلا خادم روضه حضرت عباس علیه السلام به شمار می‌آمدند و غالباً در محله باب البغداد اقامت داشتند.

۱۷. بیت آل ابوشویلیه

از بیوت قدیمی ساکن در کربلا که از قبیله عبس بوده و از نجد و حجاز به کربلا آمده‌اند. مشهور آنان مرحوم ملا خضر بن عبدالعباس می‌باشد که نسب او به علی ابوشویلیه می‌رسد.

۱۸. بنی سعد

عشیره‌ای عربی و اصیل که به قبیله قیس عیلان می‌رسند. آنان در کربلا مشهورند و از جایگاه خاصی برخوردارند. از اوایل قرن دوازدهم هجری که آنان به کربلا آمدند، رئیس ایشان شیخ علی بن سلیمان سعدی بود. بیوت متعددی از این عشیره برخاسته‌اند و در میان آنان ادیب، سخنور و انسان‌های مبارز دیده می‌شود.

۱۹. آل غریب

خاندانی عربی که به عشیره المیاح منتهی می‌گردند و از قبیله ربیع‌اند و برخی گفته‌اند از طایفه شمّر (شمّر یعنی: جوانمرد، بینا و آزموده) هستند. ایشان در اواخر قرن سیزدهم هجری از بغداد به کربلا آمدند و در محله باب البغداد ساکن شدند و اکنون احفادی دارند.

۲۰. آل بهبهانی

خاندانی از سادات و منسوب به امام کاظم علیه السلام از طریق سید محمد عابد که در قرن سیزدهم هجری از ایران به کربلا مهاجرت کرده‌اند. از آنان است: سیدحسین فرزند ابراهیم که در سال ۱۳۰۰ قمری در مدینه کشته شد.

۲۱. آل استرآبادی

ساداتی حسینی نسب از نسل زید بن علی بن الحسین علیه السلام که در قرن سیزدهم هجری کربلا را به عنوان وطن خویش برگزیدند. جدّ این سلسله معصوم علی خان صدرالدین حسینی مدنی (م ۱۱۲۰ق) است. علمای بسیاری از این خاندان در معقول و منقول برخاسته‌اند.

۲۲. آل عصفور

بیت عصفور، خاندانی عربی و با سابقه‌ای کهن هستند که در قرن دوازدهم هجری از بحرین به کربلا کوچ کرده‌اند. آنان لقب خود را از اسم جدّ خویش عصفور بن احمد بن عبدالحسین بحرانی گرفته‌اند. ستاره فروزان این طایفه عالم، محدث بزرگ شیخ یوسف بحرانی، صاحب کتاب «الحدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة» می‌باشد.

۲۳. آل زینی

ساداتی بامنزله و جلیل القدر از نسل امام حسن مجتبیٰ علیه السلام که موطن اصلی آنها در حجاز بوده و اجدادشان متولی کعبه بوده‌اند. به آنان «ساده الحسینین» نیز می‌گویند و منسوب به سید زین الدین بن علی حسنی هستند. او اولین شخص از این خاندان است که در کربلا اقامت گزید.

۲۴. بیت آل عمران

معروف به آل معیبد و منتسب به قبیله خفاجه که در قرن یازدهم هجری در کربلا ساکن شدند. سرسلسله آنان معیبد بن مهلهل الخفاجی است. از این خاندان شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی برخاسته‌اند.

۲۵. آل سید خلیل الحکیم

ساداتی علوی تبار، با سابقه‌ای کهن در کربلا که از احفاد عبدالله فرزند امام کاظم علیه السلام هستند و از آن جهت به آل حکیم معروف گردیده‌اند که جدّشان سیدخلیل حکیم، در طب و درمان امراض مهارت داشت.

۲۷. آل فخرالدین

علویانی عربی نژاد از احفاد سیدابراهیم المرتضیٰ اصغر، فرزند امام کاظم علیه السلام که در کربلا ملقب به «سادات شامی» می‌باشند. آنان از هرمل واقع در بقاع لبنان به کربلا مهاجرت کرده‌اند. چون این قلمرو جزو شامات بوده، به شامی هم موسومند. اولین فرد از آنان که در قرن سیزدهم هجری به کربلا آمد، سید محمدعلی و برادرش سید مصطفیٰ فرزندان سید جواد می‌باشند.

۲۸. آل الرضوی

این سادات جلیل‌القدر از نسل امام جواد علیه السلام هستند. علامه شیخ محمدعلی قصیر در رساله مخطوط خود چهار خاندان را که در کربلا ساکنند، ملقب به رضوی می‌داند که با سابقه‌ترین آنان آل زعفرانی هستند.

۲۹. آل الحمیری

از عشایر اصیل عربی و ادامه قبایل حمیر یمن هستند و در منطقه جبل حمیرین ساکن بوده‌اند. آنان از یمن به ناحیه دیاله کوچ کرده‌اند و سپس راهی کربلا شده‌اند. اولین مهاجر از این خاندان، مالک الحمیری است که پیش از قرن دوازدهم هجری به کربلا آمده است.

۳۰. آل صافی

خاندان علوی و عربی نژاد از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام که سرسلسله آنان سید احمد عطار می‌باشد. آل صافی در امور اداری، امارت بلاد و حیات اجتماعی کربلا نقش داشته‌اند و در این شهر مقدس املاک، عقارات، مزارع و باغاتی دارند و چون جدشان سیدصافی مشهور بوده، این طایفه لقب وی را برای خاندن خود برگزیده‌اند.

۳۱. بیت آل سبویه

در قرن سیزدهم هجری از یزد به کربلا آمده‌اند. شخصیت برجسته آنان علامه شیخ عباس یزدی می‌باشد. ایشان در باب البغداد کربلا اقامت گزیده‌اند.

دیگر طوایف کربلا

در فصل سوم کتاب، سید عبدالصاحب ناصر آل نصرالله به معرفی خاندانی پرداخته که شیخ محمدعلی قصیر در وجیزه مخطوط خود، اشاره‌ای به آنها ننموده است، که عبارتند از: بیت الاطرش: خاندانی عربی از قبیله زبیده و در زمره عشایر زبیده که در کربلا به «آل حسین مرشدی» مشهورند.

آل اعرجی: سادات حسینی از اعقاب عبیدالله اعرج، فرزند حسین اصغر، فرزند امام زین العابدین علیه السلام که نقبا و اشراف و علما و ادبای مشهوری از میان آنان برخاسته‌اند. بیت الانباری: در واقع اینها در کربلا شامل سه بیت ابو ولده، جابری و الانباری هستند که از شهرهای مسیب، کاظمین و انبار عازم کربلا شده‌اند.

بیت الانصاری: خاندانی عربی هستند که در قرن سیزدهم هجری به کربلا آمده‌اند. جدشان محمد زکی، ملقب به انصاری است.

بیت البارودی: در قرن سیزدهم هجری از کوفه به کربلا آمدند. شخص مشهور آنان حمزه بارودی است.

بیت البازی: عشیره‌ای علوی تبار ساکن در سامراء که در قرن سیزدهم به کربلا هجرت کرده‌اند. بیت بحر: خاندانی عربی نژاد از عشیره سیار و از قبیله طی. آنان به نام جد اعلاى خود بحر بن نجم بن سهیل معروفند.

بیت بحرانی: از بحرین به کربلا آمده‌اند.

بیت برسیم: منتسب به عشیره العزه، ساکن محله باب‌الخان. نامشان از جدشان برسیم العزاوی گرفته شده. برسیم یعنی ابریشم و حریر طبیعی.

بیت بغدادی: سادات حسینی که از بغداد به کربلا مهاجرت کرده‌اند.

آل البیاتی: ساکن در کربلا و منسوب به عشیره بیات در قرن دوازدهم هجری.

بیت الحفّار: چون کار آنان حفر قبور بوده، به این عنوان مشهورند.

آل حکیم: شامل بیت الحکیم (القدی)، بیت حکیم صاحب، بیت میران صاحب، بیت ابوالقاسم حکیم و بیت محمدتقی حکیم.

بیت الحلّی: در قرن دوازدهم هجری از حله به کربلا آمده‌اند و نسب آنان به قبیله خفاجه می‌رسد.

بیت الحیدری: علویان منسوب به امام زین العابدین علیه السلام که جدشان سیدحیدر حسینی (میرحیدر) می‌باشد.

آل خزرجی: بنی خزرج از فرزندان خزرج بن حارثه و از عشیره ازد می‌باشند و این طوایف از آنان هستند: بیت حاج جدوع؛ بیت عبدعلی خزرجی، بیت حاج علوان جیلوی و بیت فتاح (عتوکه).

آل خطیب: خاندانی کهن ساکن در کربلا که شامل بیوت زیرند: خاندان علامه مجتهد شیخ محمد خطیب، آل ازیرج. آل بیضانی، آل ساعدی و نیز خاندان علامه سید عبدالوهاب خطیب که علما و مشاهیر بسیاری در میان آنان درخشیده‌اند.

بیت دباغ: کار آنان دباغی پوست حیوانات بود و در ناحیه دباغیه کربلا ساکن بوده‌اند.

بیت دردوش: خاندانی عربی منسوب به عشیره آل قریش که از کوفه به کربلا رحل اقامت افکنده‌اند و چون جدشان دردوش بن محمد آل شاملی بوده، به این نام معروفند.

بیت ابورکه: به قبیله خفاجه منتهی می‌گردند و در محله باب النجف ساکن بوده‌اند.

بیت الرماحی: که در قرن سیزدهم از رماحیه واقع در غرب دیوانیه عراق به کربلا آمده‌اند.

بیت السباح: به دو قبیله بنی‌اسد و شمر نسبت می‌برند و چون این طایفه از گل نهر حسینی در کربلا تسیح درست می‌کردند، به این نام معروفند.

بیت السراج: از قبیله بنی‌اسد که چون در حرم امام حسین علیه السلام شمع روشن می‌کرده‌اند، ملقب به خاندان سراج گردیده‌اند.

بیت السعدی: از سادات قدیمی کربلا که به سیدابراهیم نجات نسب می‌برند.

بیت سلطان (کلای): که به بنی‌کلاب منتهی می‌گردند و از قدیم در حوالی کربلا ساکن بوده‌اند و حرفه آنان زراعت می‌باشد.

بیت حاج سهیل النجم: که در اواخر قرن سیزدهم هجری از فلوجه به کربلا آمدند. این طایفه از عشیره جمیلات که در فرات علیا معروفند، می‌باشند.

آل شالجبی: از علویان باسابقه کربلا و از نسل امام جواد علیه السلام و در زمره سادات رضوی هستند.

آل شریفی: از احفاد سید عبیدالله اعرج، فرزند حسین اصغر فرزند امام چهارم می‌باشند. آنان املاک و مزارعی در کربلا و توابع دارند.

بیت شعیب: از حله به کربلا آمدند و رئیس آنان محمدحسن شعیب می‌باشد.

آل صافی: اصل آنان از قبیله عربی کنده است و در قرن سیزدهم از بغداد عازم کربلا گردیده و در این شهر مقدس ساکن شدند.

آل صفار: شامل دو طایفه علوی نسب و غیرعلوی که بیوت متعددی از این عشیره منشعب شده است.

آل صیقل: منسوب به قبیله خفاجه که در روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام مشغول خدمت بوده‌اند.

آل طیار: طایفه‌ای اصیل و عربی که از مدینه منوره به کربلا مهاجرت کردند. اولین مهاجر آنان مرحوم حاج علی طیار می‌باشد.

آل غریفی: سادات ساکن در کربلا که اصل آنان از سرزمین بحرین است و سرسلسله ایشان حسین غریفی است.

آل القرعاوی: منسوب به قبیله اکرع و منشعب از شمر.
آل قفطون: چون بر منبر حسینی خطبه می خوانند و وعظ می کنند، به بیت القاری هم موسومند.

بیت الکرباسی: منسوب به مالک اشتر و چون جدشان در محله حوض کرباس هرات اقامت نموده بود، به کرباسی معروف شدند. اولین فرد از این خاندان که در کربلا مقیم شد، شیخ محمد ابراهیم کرباسی است.^{۲۰}

آل مطیری: خاندانی با سابقه‌ای کهن در کربلا که نسبت آنان به قبیله مطیر بازمی‌گردد. اینها در نجد و حجاز ساکن بوده‌اند و سپس به حله رفته‌اند؛ آن‌گاه در کربلا اقامت گزیده‌اند. آل مطیری کربلا از احفاد سلمان مطیری هستند.

آل المعمار: طایفه‌ای با اصالت عربی از آل عنوز که در قرن سیزدهم هجری از نجف اشرف به کربلا کوچ کرده‌اند. اولین آنها که در این شهر ساکن گردید، ملا محمد و کیل نجفی است.

آل موسوی: علویانی از نسل امام کاظم علیه السلام که این خاندان از آنها هستند.
آل شؤ: آل کشوان، آل سیدواوی، آل نافجه و آل عطار.
آل نجار: ساکن در محله باب بغداد کربلا که در ساخت ادوات کشاورزی تخصص دارند.

آل هدو: طایفه‌ای منسوب به عشیره المعامره که در قرن سیزدهم هجری در کربلا متوطن گردیده‌اند. مورخان می‌گویند جدّ این خاندان حاج هادی بن عبدالله معموری نام داشته که از باب تلمیح، نام او را بعد از تصغیر، هویدی تلفظ کرده‌اند که به هدو تبدیل شده است.^{۲۱}
آل وکیل: شامل بیوت: بیت ملاحمود و کیل، بیت سید نعمت و کیل، بیت ملارزوقی و کیل، بیت مهدی جواد و کیل، بیت حاج محمد علی و کیل، بیت سیدحسون و کیل، بیت مهدی و کیل.
سادات آل یاسر: علویانی جوانمرد و کریم که در منطقه فرات و سطحی ساکن بوده‌اند و بعضی از آنها به کربلا مهاجرت کرده‌اند. نسب آنان به زید شهید، فرزند امام سجاد علیه السلام می‌رسد. این سادات از اولاد سید یاسر کبیر می‌باشند.

کوچ عشایر عرب به کربلا

مؤلف پیش از پرداختن به معرفی و شرح قبایل و عشایر کربلا و تأسیس اجتماعاتی از آنان در جوار حائر حسینی، بررسی تاریخی مختصری درباره مهاجرت این کوچ‌نشینان در ادوار تاریخی به کربلا و روستاهای اطراف و نیز علل به وجود آمدن این جوامع در این منطقه دارد. وی می‌نویسد: پیش از طلوع اسلام و در عصر دولت ساسانی، برخی قبیله‌های عربی از نقاط گوناگون جزیره العرب به دلایل گوناگون همچون درگیری‌ها، دسترسی به نواحی جدید و یافتن منابع آب، به عراق عرب کوچ کردند و در مناطقی از بین‌النهرین سکونت اختیار نمودند که برخی از نواحی مزبور در حوالی کربلا یا در قلمرو آن قرار داشت؛ مثل عین‌التمر، حیره و اراضی بین آنها و کربلا. رفته رفته با اسکان و اجتماع آنان در این اراضی، قریه‌ها و آبادی‌هایی شکل گرفت. از میان این قبایل مهاجر می‌توان ازد، کهلان، بنی‌اسد، تمیم و غیره را نام برد. قبیله ازد که در امتداد نهر الملک (نهر نینوی) ساکن شدند، در واقع اراضی شرقی کربلای کنونی را از شمال به سوی جنوب اشغال کرده بودند.

مؤلف در کتاب دیگر خود «شهر کربلا، تاریخ و قداست» شرح مفصلی درباره فرهنگ و تمدن و قرایی که زمین‌های کربلا را قبل از واقعه عاشورا اشغال کرده بودند، آورده است؛ آن‌گاه به نقل از مأخذی^{۲۲} به این نکته اشاره دارد که قبیله کِنده قوی‌ترین قبایل عرب بود و به سبب پیمان‌ها و ازدواج و قدرت رزمی، بر دیگر عشایر سیادت داشت. حارث بن عمرو که قوی‌ترین و برجسته‌ترین حاکمان کِنده بود، فرزندی داشت به نام حجر که وی بر بنی‌اسد استیلا یافت و بین این دو قوم نبردهایی در گرفت. در این زد و خوردها حجر بن حارث را زوال را در پیش گرفت. قبیله بنی‌اسد نیز قدیمی‌ترین طایفه‌ای بود که در اراضی کنونی کربلا و نقاط مجاور آن سکنا گرفت و این مهاجرت در اواخر قرن پنجم میلادی و پیش از ظهور اسلام صورت پذیرفته است. آنها بر آبادی‌هایی چون باروسما (حوالی نینوا)، خود نینوا، غاضریه (واقع در شمال کربلا) نوایس (جنوب شرقی کربلا) و قریه عقر در شمال غربی و در اراضی کمالیه کنونی مسلط شدند.

در حوالی عین‌التمر و زمین‌های واقع بین این ناحیه و طف کربلا، قبایل دیگری اجتماعاتی به وجود آوردند؛ از جمله طایفه‌های کِنندی، تنوخی و نیز قبایل عدنانیه که مهم‌ترین آنها ربیعه است که خود شاخه‌هایی دارد. عشیره ربیعه در زمان ساسانیان در سواحل رود فرات پراکنده گردیدند و با فتح عراق توسط مسلمانان در اراضی جزیره شمال غربی عراق یا غرب دجله، از موصل تا نصیبین و خابور مستقر شدند. قبیله بکر بن وائل (از ربیعه) در عین‌التمر

ساکن شدند. بین آنان و قبیله بنی یربوع نزاع در گرفت. آنها که از قبیله تمیم بودند، در دوره ساسانیان یا اوایل ظهور اسلام در اطراف کربلا اقامت گزیدند. دلیل مستندی هم در این باره وجود دارد؛ زیرا وقتی حرّ بن یزید ریاحی در رکاب حضرت امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، بنی تمیم پیکرش را از معرکه رزم بیرون آورد و در مکان کنونی که زیارتگاه اوست، دفن کردند و می‌دانیم که حرّ از همین قبیله می‌باشد.^{۲۳}

قبایل بکر بن وائل و شیبان که در حیره، ذی‌قار و کربلا مستقر شده بودند، در درگیری با سپاهیان ساسانی، بر آنان غلبه کردند. بنو تغلب در اطراف حیره تا عین التمر استقرار یافتند. طوایف قضاعه که در قلمروی بین عین التمر، حیره و انبار مستقر بودند، با لشکریانی از دولت ساسانی جنگیدند و بر آنان پیروز شدند. هجرت این عشایر از شبه جزیره عربستان به سوی عراق عرب همچنان تداوم یافت و بسیاری از آنان در حوالی کربلا اقامت گزیدند و عده قابل توجهی از عشایر مذکور، در محلاتی از کربلای کنونی اجتماع کردند و منزلتی چون علویان برای خود به دست آوردند؛ زیرا ضمن این که در شکل‌گیری جوامع این شهر مقدس دخالت داشتند، در توسعه شهر و عمران کربلا و تأسیسات عمومی و خدماتش مشارکت نمودند. به علاوه، در وقایع تاریخی، رویدادهای سیاسی و یورش‌های متجاوزان به کربلا این قبایل که از شجاعت، شهامت و دلاوری ویژه‌ای برخوردار بودند، نقش ارزنده‌ای در دفاع از کربلای معلی و استقرار امنیت در آن، ایفا کردند.

به همین دلایلی که گفته شد، نویسنده کوشیده است تا در فصلی مستقل به معرفی عشایر مستقر در کربلا بپردازد و بیوت آنان را به خواننده بشناساند. تلاش نویسنده بر آن بوده که در این راستا به مصادر مؤثق و مورد اعتماد استناد کند، نه بر آگاهی‌های اشخاصی که خود از این خاندان هستند.

خاندان‌های مقیم در جوار حائر حسینی

۱. قبیله بنی‌اسد

قدیمی‌ترین عشایری که در اراضی موسوم به طف سکونت اختیار کردند، بنی‌اسد هستند که نسب آنان به اسد فرزند خزیمه، از احفاد عدنان می‌رسد؛ بنابراین قبیله مزبور از بنی‌عدنان می‌باشند، نه از ربیع، چنان‌که برخی تصور کرده‌اند.^{۲۴} اینان مشهورترین عشایری هستند که در قرن پنجم میلادی در قرای اطراف کربلا مستقر شدند. عده‌ای از مورخان تصور کرده‌اند شاخه‌ای از بنی‌اسد در قرن سوم هجری (مطابق قرن دهم میلادی) به عین التمر در حوالی کربلا آمده‌اند؛^{۲۵} در صورتی که این منطقه به برکت این مهاجرت، پیش از اسلام دارای فرهنگ و تمدن بوده است. افتخار

این قبیله آن است که هم در نهضت امام حسین علیه السلام حضوری دلاورانه و ایثارگرانه و فداکارانه داشته‌اند و هم بر دفن بیکر شهیدان همت وریدند. حبیب بن مظاهر اسدی از یاران امام حسین علیه السلام و از رؤسای شیعیان کوفه، از این خاندان است که در رکاب امام حسین علیه السلام به شهادت رسید. افزون بر این، تا پیش از ورود علویان به کربلا، آنان در صیانت از مرقد شهیدان کربلا به‌ویژه حضرت ابا عبدالله علیه السلام و خدمت به مضجع شریف آن امام مظلوم شهید، پیشقدم بوده‌اند. همچنین بنی اسد در امور اداری و امارات کربلا و توابع، نقش آفرین بوده‌اند. بیوتات این قبیله عبارتند از:

بیت محفوظ: منسوب به شیخ شمس‌الدین محفوظ (م ۶۹۰) که از این طایفه ادبا و علمایی برخاسته‌اند. بیت ملا احمد: از قدیم در تجارت حبوبات اشتغال داشته‌اند. آنان در محله باب‌خان در جایی مشهور به طاق حاج احمد علی اسدی ساکن بوده‌اند.

بیت ملاجمعه: یا بیت دعدوش، به نام جدشان دعدوش اسدی شناخته می‌شوند و از آن جهت به خاندان ملاجمعه موسومند که خطیب و شاعر معروف، شیخ جمعه بن حمزه، از احفاد دعدوش اسدی از نیاکان آنان است.

بیت الناطور: خلیل ناطور از نیاکان آنان است (زنده به سال ۱۱۲۱ق).

بیت طریحی: منسوب به محمدحسین طریحی اسدی.

باید دانست که طوایفی از بنی اسد به ایران هم مهاجرت کرده‌اند و خاندانی از آنها در منطقه کرمان و توابع، اکنون احفادی دارند؛ چنان‌که در سیرجان عرب بنی اسد ساکن‌اند.^{۲۶}

۲. قبیله خفاجه

از بطن بنی عقیل فرزند کعب و از احفاد معاویه الخفاج. موطن اصلی آنان یمن بوده که به دلیل کاهش منابع آب و غذا بنا به نظر بستانی به عراق عرب مهاجرت کرده‌اند.^{۲۷} در اطراف حله و کوفه، در فرات وسطی و نیز فرات سفلی ساکن گردیده و در منطقه بادیه عراق دولتی در قرن چهارم هجری تأسیس کردند.

عباس عزوای تصریح می‌کند قبیله خفاجه از عشایری هستند که سابقه‌ای کهن در عراق دارند. جماعتی بزرگ و کوچک از آنان در حله، کربلا، بغداد و دیاله پراکنده شدند^{۲۸} و اکنون بسیاری از بیوتات کربلا به این طایفه نسب می‌برند. شاخه‌ها و شعب این قبیله عبارتند از:

بیت الماضی: ساکن در باب بغداد و منسوب به حمود ماضی.

بیت کشکول: که از میان آنها شخصیت‌های علمی و ادبی برخاسته‌اند.

بیت الخری: ساکن در باب السلالمه که جدشان حاج احمد خرّی خفاجی نام دارد.
بیت شنطوط: مستقر در باب الخان کربلا و منتسب به محمود بن موسی شنطوط، و نیز بیوت
مکسر جی، بزگان، خنجر، دروش، کیال، صلیخی، عذاب و بیت خطیب شیخ هادی از این خاندانند.

۳. طهمازه

این طایفه اگرچه شاخه‌ای از خفاجه است، ولی به لحاظ اصالت عشیره‌ای و نژادی و نفوذ
اجتماعی، اهمیت فوق العاده‌ای دارند و چون در اطراف نهر طهماسب سکنی گزیده‌اند، با
این عنوان شناخته می‌شوند. از آنهاست بیوت ذیل: شلاه، خضیر، الازهری، البطلی، جوید،
ابوخاشوگه، الراضی، جیران، مصلح، اسماعیل الگاطع، بدیوی، علیوی، الوزون.

۴. قبیله شمّر

قبیله‌ای با اصالت عربی از بطن طیّ که دلاوران و بزرگانی را در دامن خود پرورش داده‌اند.
وطن اصلی آنها حائل در شبه جزیره عربستان بوده است. آنان در پی منازعاتی که با دیگر طوایف
داشته‌اند، به کربلا و توابع آمده‌اند و در این شهر مقدس بیوتات مشهوری را تشکیل داده‌اند. این
خاندان در مسائل اداری، امنیتی و گسترش کربلا مشارکت داشته‌اند. آنان شعب متعددی دارند و
بیوتات ایشان عبارتند از: عجعج، فرحان، جوید، کواظمه، ذرب، بزونه و عشیره زگاریط.

۵. قبیله حمیر

از قبایل قحطانی که ساکن یمن بوده‌اند، ولی بعدها به نقاط دیگری از شبه جزیره عربستان
کوچیدند و بسیاری از این قبیله راهی عراق عرب گردیدند و در دیاله و کربلا اقامت گزیدند و
در شهر کربلا بیوتاتی تشکیل دادند آنها به شجاعت و دفاع از سرزمین خود شهرت دارند.

۶. قبیله بنی سعد

قبیله‌ای از بطن هوازن و از احفاد سعد بن بکر بن هوازن که پیش از اسلام در حجاز شهرت
داشته‌اند و رسول اکرم ﷺ بخشی از دوران کودکی (شیرخوارگی) خویش را در میان آنان
گذرانده است و مادر رضاعی آن حضرت (حلیمه سعدیه) از این قبیله است. آن حضرت
بارها از این طایفه تقدیر و احترام به عمل آورده است. بنی سعد در کربلا بیوتات متعددی
تشکیل داده‌اند که عبارتند از: دخیل، نایف (عاشور)، معمار، کرماشه، حسین حمیدان،
راضی، سعداوی، سنور، بیوض، خویطر، جصاص، بغدادی (کوّاز)، مختار، قهواتی.

۷. عشیره سلالمه

منسوب به اسلم، از بطن قبیله شمّر. آنان در نواحی شمال و شمال غربی ساکنند و باب سلالمه برگرفتند از عنوان این طایفه است. شخصیت‌های مهم سیاسی و اجتماعی از میان آنان برخاسته و برخی افراد این قوم در قرون گذشته کلیددار روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام بوده‌اند.

۸. قبیله ربیعہ

ربیعہ از قبیله طیّ می‌باشد که در عراق و شام انتشار یافته‌اند. آنها که در کربلا مستقر شده‌اند عشیره مباح نام دارند. رؤسای این طایفه هموار در کربلا نفوذ اداری و سیاسی داشته‌اند. مهم‌ترین خانواده‌های آنان در جوار حائر حسینی این بیوتات است: معمار (بنّاء)، علّو، ربیعی نجار و نیز بیت ربیعی.

۹. قبیله مسعود

قبیله‌ای اصیل و بزرگ، با شاخه‌های متعدد که در نواحی گوناگون کربلا استقرار یافته‌اند؛ به‌ویژه در ناحیه حسینیہ کنونی. آنها در اصل در تهامه و نجد از توابع شبه جزیره عربستان ساکن بوده‌اند. از این خاندان شخصیت‌های گوناگونی برخاسته‌اند که در امور اداری، پارلمانی و امارت کربلا، مشارکت داشته‌اند.

۱۰. قبیله بنی تمیم

بنو تمیم از بزرگ‌ترین قبایل عربی است که وسیع‌ترین نواحی را در اختیار داشته‌اند. اعلام و رجال نامداری از این خاندان در زمره حکما، امیران، متولیان خانه کعبه، صحابه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تابعین، علما، ادبا و سخنوران بوده‌اند. فرزادق، مالک بن نویره و حرّ بن یزید ریاحی و دیگر نامداران صدر اسلام در زمره مشاهیر این قبیله‌اند. حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به عموزاده خود عبدالله بن عباس، حاکم بصره فرموده‌اند:

به من خبر داده‌اند با بنی تمیم در شتی کرده‌ای و خطاب به آنان سخنان سخت گفته‌ای؛ حال آن‌که مهتری از آنها در نگذشت جز آن‌که بزرگی به جای او نشست و در زمان جاهلیت و ظهور اسلام کسی هم‌اورد آنان نگردید. آنان با ما هم‌پیوند و خویشاوندند. ما در رعایت این قرابت، پاداش داریم و در قطع ارتباط با آنان خاطی.^{۲۹}

طوایف متعددی از بنی تمیم، پیش از اسلام در عراق عرب ساکن شده بودند. آنان از

عشایری بودند که در قرون اولیه به کربلا آمدند. کانون اجتماع افرادی از این خاندان در کربلا در «قنطره بیضه» در راه کربلا به حسینه و نیز زقاق زراعی و قریه طف بوده است. بیوتات بنی تمیم در کربلا: شاطی، کاظم حسین، عوینات، بطیلت، جواد و یوزباشی.

۱۱. قبیله سیار

از عشایر قدیمی کربلا که اصل آنان از قبایل طیّ می‌باشد. این طوایف در غرب و شمال غربی کربلا تمرکز یافته‌اند. این قبیله در حوادث سیاسی، قیام‌ها و خیزش‌های مردمی و نیز قیام علیه عثمانی‌ها و مقاومت در برابر استعمار انگلیس مشارکت داشته‌اند. بیوتات این قبیله عبارتند از: کشر، خُسف و حبیب.

۱۲. قبیله جیور

از عشار مهم و بزرگ بین‌النهرین که از شبه‌جزیره عربستان به‌ویژه بحرین به عراق آمده‌اند. در دانشنامه تاریخ و نسب درباره جیور آمده است که این قبیله در ۷۱۷ قریه و قصبه پراکنده شده‌اند و این آبادی‌ها از شمال تا جنوب عراق (زاخو تا فاو) امتداد دارند. اما بیوتاتی که در کربلا اقامت گزیده‌اند: عبود، عبودة الحسین، مکین، واویه و خیاط.^{۲۰}

۱۳. قبیله عنزه

از قبایل بزرگ و مهم از نظر اقتدار و تعداد و سابقه تاریخی است. آنان در نقاط گوناگون شبه‌جزیره عربستان، از جمله منطقه قصیم، سدیر، عارض، صمان، یمامه، نعام و طریف پراکنده بوده‌اند. طوایفی از این قبیله در نواحی غربی کربلا استقرار یافتند و به آبادانی و ایجاد مزارع و باغات پرداختند. بیوتات آنان در این شهر مقدس، جماعتی از ساکنان عراق را تشکیل داده‌اند که در عمران شهر، امور اداری و دیوانی و ساختار سیاسی تأثیرگذار بوده‌اند. معروف‌ترین آنان بیت العطیه و بیت محمدحسن می‌باشند.

علاوه بر این‌ها، عشایری در بیرون از شهر کربلا و در حومه آن به‌ویژه در نواحی شرقی و جنوب شرقی ساکن بوده‌اند که بر مسائل شهری احاطه داشته و در احیا و عمران اماکن مقدس و زیارتی و مقابر شهدا شرکت داشته‌اند. مهم‌ترین اینها عبارتند از: عشایر بنی حسن، آل فتله، گریط، جلیحه، الدعوم، الجراح، آل جباس، سعید، بنی مالک، طفیل، بنی طرف، فیاده و عین التمر.

پی نوشتها:

- ۱ . سیدعبدالصاحب ناصر آل نصرالله، بیوتات کربلاء القديمة، ص ۶۰.
- ۲ . همان، ص ۱۴ و ۱۵.
- ۳ . سلمان هادی الطعمه، تراث کربلا، ص ۱۰۷.
- ۴ . سیدمحسن امین، اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۴۸.
- ۵ . ابن زهره حسینی، غایة الاختصار، ص ۸۹.
- ۶ . سیدعبدالحسین کلیددار، بغیة النبلاء، ص ۱۲۰.
- ۷ . بیوتات کربلاء القديمة، ص ۱۶.
- ۸ . تراث کربلا، ص ۳۳۸.
- ۹ . سلمان هادی الطعمه، خزائن کتب کربلاء الحاضرة، ص ۲۰ و ۲۱.
- ۱۰ . بیوتات کربلاء القديمة، ص ۳۳ - ۵۲.
- ۱۱ . همان، ص ۳۱ - ۳۲.
- ۱۲ . یاقوت حموی معجم البلدان، ج ۶، ص ۵۱؛ سیدهبه الدین شهرستانی، نهضة الحسين، ص ۹۰.
- ۱۳ . جعفر خلیلی، موسوعة العتبات المقدسه، قسم کربلاء، ج ۱، ص ۱۸ - ۱۹.
- ۱۴ . دائرة المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۵۰۵.
- ۱۵ . بیوتات کربلاء القديمة، ص ۵۸.
- ۱۶ . زمخشری، الجبال والامکنه، ص ۱۵۲.
- ۱۷ . بیوتات کربلاء القديمة، ص ۱۱۲ - ۱۱۳.
- ۱۸ . تراث کربلا، ص ۳۸۳ - ۳۸۴.
- ۱۹ . محمدحسن کلیددار، مدینه الحسين، ج اول، ص ۶۹.
- ۲۰ . ر.ک: غلامرضا گلکی زواره، کاروان علم و عرفان، ج ۱ ص ۸۴؛ گلشن ابرار، ج ۴، ص ۲۵۹؛ مجله پاسدار اسلام، ش ۱۸۷، تیر ۱۳۷۶، ص ۳۳.
- ۲۱ . سیدمحمدصادق آل طعمه، الحركة الادبية المعاصرة فی کربلا، ص ۲۷۹.
- ۲۲ . احمد صالح العلی، محاضرات فی تاریخ العرب، ج ۱، ص ۸۵.
- ۲۳ . سیدعبدالرزاق مقدم، مقتل الحسين علیه السلام، ص ۳۸۹.
- ۲۴ . ر.ک: نهاية الارب فی معرفة انساب العرب، قلقشندی، ص ۳۹.
- ۲۵ . محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۶۱ و ص ۲۵۹.
- ۲۶ . احمدعلی خان وزیری، جغرافیای کرمان، ص ۲۶۵ و ۲۷۰.
- ۲۷ . دائرة المعارف بستانی، ج ۷، ص ۴۱۷.
- ۲۸ . عباس عذاوی، تاریخ العراقین بین اختلالین، ج ۳، ص ۶۵.
- ۲۹ . نهج البلاغه، نامه ۱۸.
- ۳۰ . درباره ابن عشاير ر.ک: عشاير العراق، ج ۳، ص ۷۷؛ عبدالجلیل طاهر، العشایر و السیاسیه، ص ۱۰۲.